



۲۱ دی ۱۳۸۰

۱۱ ژانویه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

از مبارزات و مطالبات کارگران حمایت کنید!

نامه اصغر کریمی به سازمانهای کارگری در سراسر جهان



دوختن برای فعالین و کارگران مبارز در سندیکا.

مبارزه اخیر کارگران خباز در سقز و چند شهر دیگر تاکنون با حمایت ۱۶ مجتمع کارگری در ایران روبرو شده است. این با توجه به خفقان موجود در ایران یک همبستگی شکوهمند کارگری محسوب میشود. رژیم اسلامی قصد انتقام و درهم شکستن اتحاد و تشکل کارگران را دارد. دستگیری رهبر سندیکا در سالهای قبل نتیجه معکوس داد و به همبستگی گسترده کارگران با سندیکای خبازان مواجه شد. رژیم اسلامی اشکال دیگری از توطئه و تعرض را شروع کرده است. این تعرضات نیز باید در هم شکسته شود. حمایت صمیمانه و گسترده شما همچنان در خاطر کارگران خباز

فرمانداری سقز، به کارگران قول داده شد روز ۵ ژانویه به خواستههایشان رسیدگی شود. مسئولین حکومت اسلامی اما بجای رسیدگی به مطالبات کارگران تهدید و توطئه علیه آنان را شروع کردند، چیزی که کاملاً قابل پیش بینی بود. مسئولین سندیکا را تهدید و یکی از آنان را احضار کردند و سپس در تاریخ ۶ ژانویه شبانه به دفتر سندیکا و شرکت تعاونی سندیکا دستبرد زدند و چند هزار دلار اموال شرکت تعاونی را به سرقت بردند. هدف حکومت اسلامی روشن است: ضربه مالی و نیز ضربه به وجهه و اعتبار سندیکا، سد کردن روند حمایت از مبارزه کارگران خباز، ایجاد شکاف در میان کارگران و پاپوش

به اطلاعاتان میرسانم که سندیکای کارگران خباز شهر سقز و چند شهر دیگر در ایران از چند هفته پیش مبارزه قاطعی را برای افزایش دستمزدهای خود شروع کرده اند. یادآوری میکنم که محمود صالحی، از فعالین سندیکای خباز سقز، بدنبال اعتراضات کارگران در شهرهای ایران و حمایت باشکوه سازمانهای کارگری در سراسر جهان، سال قبل از زندان آزاد گردید. اعتراضات دور اخیر کارگران خباز سقز با حمایت و پشتیبانی فعال سندیکاهای خبازان در چند شهر دیگر روبرو شده است. در نشست ۲۹ دسامبر نمایندگان کارگران با استانداری کردستان و

و همه کارگران ایران زند است. بار دیگر شما را به حمایت از مبارزه و مطالبات کارگران خباز در ایران و بویژه مطالبه افزایش دستمزد کارگران و محکوم کردن توطئه ها و تهدیدات فعالین کارگری دعوت میکنم.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگری

اصغر کریمی
از طرف حزب کمونیست کارگری ایران
۸ ژانویه ۲۰۰۲

انترناسیونال هفتگی پاسخ میدهد

صفحه ۴

آنها که عبرت نمی گیرند!

صفحه ۲



برپایی جنبش مجامع عمومی کارگری

یک حلقه کلیدی در پیشروی جنبش کارگری در ایران

شهبلا دانشفر

ایران برپایی جنبش مجامع عمومی کارگری، یک گام مهم برای غلبه کردن بر این نقطه ضعف اساسی جنبش کارگری و برای به میدان آوردن نیروی طبقاتی کارگران در صحنه سیاسی جامعه است.

امروز با تغییر توازن قوای موجود در جامعه به نفع اعتراضات توده های مردم و طبقه کارگر و نیز پیشرویهای جنبش کارگری در امر سازماندهی اعتراضات جاری، بهترین شرایط برای دامن زدن

صفحه ۲

اعتصابات کارگری در یکماه اخیر باز هم شتاب و رشد بیشتری یافته است. طی این مدت ما شاهد دهها حرکت و اعتراض کارگری در ایران بودیم. اما یک نقطه ضعف اساسی طبقه کارگر در مبارزات کنونی مشکل نبود تشکل های علنی و توده ای کارگری است. محرومیت کارگران در ایران از تشکل های واقعی توده ای خود یعنی شوراهای کارگری باعث شده که امروز طبقه کارگر نتواند با اعتماد به نفس و با تمام نیرو به میدان مبارزه وارد شود. بنابراین امروز در



آپارتاید جنسی محصول اسلام سیاسی

آذر ماجدی

علیه آن بپا خیزیم!

و تروریسم اسلامی را به جلوی صحنه سیاست جهانی راند. هر چند که دولتهای غربی تلاش میکنند اسلام سیاسی را از مهلکه بدر برند و حملات را متوجه طالبان و بن لادن و القاعده کنند، این واقعه سوالات و مسائل بسیاری را برای مردم جهان و مردم منطقه مطرح کرده است که باید جواب بگیرد.

اسلام سیاسی در شکل و قواره کنونی، بعنوان یک نیروی قوی و در متن اصلی

صفحه ۳

واقع ۱۱ سپتامبر در نیویورک ظرفیت جنایتکارانه تروریسم اسلامی را به جهانیان نشان داد. حمله آمریکا و بریتانیا به افغانستان موجب شد تا فیلم ها و اسناد جنایات طالبان که در آرشیو رسانه ها خاک میخورد، به نمایش گذاشته شود. مردم در غرب در مدتی کوتاه روایات فراوانی از جنایات و خشونت و سرکوب طالبان در حق مردم افغانستان، بویژه زنان شیدند و دیدند.

واقع ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن اسلام سیاسی

کارگران نساجی بستن خیابان و تحصن در برابر فرمانداری

صفحه ۳

سومین سمینار مرکزی کادرهای حزب

صفحه ۳

کنفرانس سوم مدوسا به تعویق افتاد!

صفحه ۳

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

نظیر اکثریت، میکوشند مثلا بازدارندگی فعال را به "مقاومت توده ای" و نظیر آن تعبیر کنند. این صرفا یک بازارگرمی برای سیاست های ریاکارانه و شکست خورده دوم خردادی است. این نقشی رقت انگیز و ارتجاعی است که اینها بارها انجام داده اند و از آن عبرت نگرفته اند. دوم خرداد و دولت آن به شهادت وقایعی مثل ۱۸ تیر سرکوب کننده مقاومت و اعتراض توده ای بوده و هست. محتوای عملی جست و خیز و تحرک اخیر دوم خرداد (که بقول بهزاد نبوی توسری اخیر در آن بی تاثیر نبوده است) چیزی جز هیاهو و چانه زدن با جناح رقیب در چهارچوب "قانونی" و "پشت میز مذاکره" برای گرفتن امتیازات و در عین حال خریدن وقت برای جمهوری اسلامی درمانده نیست. نقلایی که دیگر قدرت رنگ آمیزی کمتر کسی را دارد. آنچه که اوضاع ایران را رقم خواهد زد دعوی جناح ها نیست، مبارزه مردم برای رها شدن از شر کل اینها و جمهوری اسلامی است.

آنها که عبرت نمی گیرند!

میشود. بساط اعدام و ارباب و حد زنی در ملاء عام به عقب رانده شد. احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در ابعادی گسترده تر مورد توجه مردم قرار گرفتند.

کلی این اوضاع، یعنی تضعیف اسلام سیاسی و بهم خوردن توازن قوا بین مردم و حکومت، به دور تازه و پر گرد و خاکی از دعوی جناح ها منجر گردید. دعویایی که توافقات قبلی مبنی بر ایجاد خط وفایا را بهم ریخت و میبرد تا از نو نقطه تعادل جدیدی را تعریف کند. اما معجزه ای رخ نخواهد داد و امام زمانی ظهور نخواهد کرد. برنده این دور جدید بر خلاف ظواهر امر جناح راست نخواهد بود. سیاست هایی که جناح راست آشکار و بی کم و کاست از آن دفاع میکنند چه در داخل و چه در سطح منطقه و جهانی فی الحال شکست خورده است. آنها هیچ افق و چشم اندازی ندارند. دوم خردادی ها اما این مشکل را دارند که از مردم و حرکات توده ای اعتراضی آنها به مراتب بیش از توسری های ولی فقیه وحشت دارند. لذا دنبال راه حلی میگردند که در عین آنکه کل رژیم به مخاطره نیفتد، یعنی میدان تحرک و دخالت وسیع مردم فراهم نشود، از اوضاع بعد از ۱۱ سپتامبر به نفع خود و طبعاً برای بقاء نظامشان بهره گیرند. "بازدارندگی فعال" و "تشکیل کنگره دوم خرداد" و غیره در واقع انعکاس این جهت گیری است. برخی اصلاح طلبان خارج حکومت،

یکی از روزنامه های دوم خردادی از قول یک خواننده نقل کرد: حرفهای آقای جنتی در نماز جمعه که گفته بود باید از ماجرای آرژانتین عبرت گرفت البته حکیمانه بود، اما لازم نیست راه خیلی دوری رفت از همین طالبان بغل گوشمان هم میتوان عبرت گرفت!

این جملات دو پهلوی و طنز گونه حقیقت اوضاع سیاسی ایران را بیان میکند. اینکه ربط اوضاع افغانستان و یا آرژانتین بطور مشخص به اوضاع ایران چیست، خود موضوع دیگری است. نکته اینست هر جایی که رژیم آن سرنگون میشود یا مردم برای تغییر حکومت به خیابان می ریزند، فوراً مورد توجه و موضوع "عبرت" گیری مردم و مقامات جمهوری اسلامی قرار میگیرد. هم مردم و هم حکومت علنی تر و صریح تر از هر زمان از سرنگونی و فروپاشی و اضمحلال رژیم حاضر سخن میگویند. از صحن اتوبوس دو طبقه های تهران تا بیت رهبر موضوع بحث یکی است، مواضع متفاوت است. (مثلاً به سخنان این چهارشنبه خامنه ای رجوع کنید که میکوشد به دولتمردان قوت قلب بدهد که "ترسید و مرعوب نشوید"، از "قانون اساسی و امام" پیروی کنید تا بمانیم.)

این اوضاع البته مدتی است که در ایران برقرار است، اما بعد از ۱۱ سپتامبر، با سرنگونی طالبان و تضعیف اسلام سیاسی، توازن قوا بین حکومت و مصلحین و مدافعانش از یکسو با مردم و سرنگونی طلبان از سوی دیگر بهم خورد. مردم در حرکات مختلف و بویژه در تظاهرات های فوتبال این تغییر توازن قوا را به نمایش گذاردند. در سراسر ایران در تمام میدانی اصلی شهرها مردم به بهانه فوتبال به خیابان ریختند و علیه رژیم شعار دادند. اعتراضات کارگری وسعت گرفت، اعتراضات "صنفا" دانشجویی بالا گرفت (مقامات مربوطه تازه این هفته به وسعت آن اعتراف کردند) و اکنون زمزمه اعتراض در بین معلمان شنیده

سازماندهی اعتراضات هماهنگ چند کارخانه نظیر حرکت اعتراضی کارگران چیت ری و کفش شادانپور در مقابل مجلس در سال گذشته و نیز اعتراضات کارگران نساجی در اصفهان، سازماندهی اعتراضات طولانی مدت و سازماندهی راهپیمایی در سطح شهر و تحصن در مقابل مراکز دولتی و پیکت کردن مانند تحصن کارگران نساجی شمانه یک، دو و سه کاشان در ۱۷ دیماه و بستن یکی از خیابانهای اصلی این شهر.

این پیشرویهها قدرت اتحاد و همبستگی در میان کارگران را بالا برده و زمینه فراهم تری برای سازماندهی اعتراضات سراسری کارگری و دامن زدن به جنبش مجامع عمومی کارگری بوجود آورده است. بویژه هم اکنون با وجود جو اعتراضی بالا در جامعه زمینه برای جلب حمایت وسیع مردم از مبارزات کارگری و تبدیل مبارزات کنونی کارگری به مبارزاتی سراسری و با خواستهایی سیاسی تر بیش از هر وقت فراهم است. شرایطی که طبقه کارگر میتواند بازمه گامهای بیشتری به جلو برداشته و در راس اعتراضات مردم در سطح جامعه علیه کلیت این رژیم و این نظام قرار گیرد و نقش تاریخی خود را در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و زدن مهر خود بر تغییر و تحولات سیاسی در جامعه بکوبد.

از اینرو امروز برپایی جنبش مجامع عمومی یعنی تشکیل منظم مجامع عمومی کارگری در کارخانجات و رسیمت بخشیدن به وجود آنها و برقرار کردن ارتباط بین این مجامع در کارخانجات مختلف توسط نمایندگان و رهبران کارگران در راس وظایف کارگران کمونیست قرار میگیرد. بدرجه ای که جنبش مجامع عمومی پا بگیرد و رشد کند، امکان ایجاد مطالبات کارگری و هماهنگ کردن مبارزات کارگران در بخش های مختلف و نیز جلب پشتیبانی دیگر اقشار مردم از اعتراضات کارگری تسهیل میشود. پیشبرد این امر امروز بیش از هر وقت ممکن و شدنی است و انجام آن بدون شک جنبش کارگری در ایران را وارد فاز دیگری خواهد کرد. ■

از صفحه ۱

برپایی جنبش مجامع عمومی

به جنبش مجامع عمومی کارگری در کارخانجات فراهم است. با نگاهی به مبارزات کارگری میتوان به روشنی دید که این مبارزات به لحاظ کثرت و گستردگی، به لحاظ درجه سازمانیافتگی و به لحاظ اشکال اتحاد و همبستگی کارگری نسبت به سالهای گذشته قدمهای موثری به جلو برداشته است.

تجمع در مقابل مجلس و در مقابل مراکز دولتی نظیر فرمانداری ها، استانداری ها و شعبات وزارت کار در شهرهای مختلف، کشاندن مبارزات به خیابان ها و به بیرون از کارخانجات بصورت راهپیمایی و نیز تحصن کردن در کارخانجات به اشکال هر روزه مبارزات کارگری تبدیل شده و این مبارزات هر روزه اشکال سیاسیتری بخود میگیرد. تنها در روز ۶ دیماه چندین حرکت اعتراضی کارگری بوقوع پیوست که نمونه های برجسته آن راهپیمایی کارگران بارش در خیابان چهار باغ شلوغ ترین خیابان شهر اصفهان، تحصن کارگران باف ناز اصفهان، و تجمع اعتراضی کارگران سندیکای خیابان سقز بود. حمایت کارگران در مراکز کارگری در شهرهای دیگر ایران از مبارزه کارگران سندیکای خباز در سقز برای خواست افزایش دستمزد نمونه برجسته ای از همبستگی و اتحاد کارگری و قوام یافتگی مبارزات کارگری طی سالهای اخیر را به نمایش گذاشت.

در چند ساله اخیر کارگران به لحاظ سازماندهی اعتراضات پیشرویههای چشمگیری داشته اند. از جمله نمونه هائی از آن عبارتند از: تشکیل هر روزه مجامع عمومی کارگری در مراکز کارگری بعنوان ظرف سازماندهی اعتراض کارگران در مبارزت رو به گسترش خود، انتخاب هیات های نمایندگی کارگری از سوی مجامع عمومی کارگری در نمونه های بسیاری از مبارزات کارگری و تحمیل آنها به دولت و کارفرمایان،

از صفحه ۱

آپارتاید جنسی...

و در این میان است که در کمپین تبلیغاتی برای توجیه و مقبول جلوه دادن حمله به افغانستان در افکار عمومی، جلوه هایی از جنایات طالبان در حق مردم افغانستان و زنان به نمایش گذاشته میشود. و بخش کوچکی از جنایاتی که این جریانات اسلامی در دو دهه اخیر انجام داده اند، جنایاتی که ما قربانیان دست اول آن کوشیده ایم تا به گوش جهانیان برسانیم، آشکار میشود. زنان اولین قربانیان اسلام سیاسی و دستجات تروریستی اسلامی اند. آپارتاید جنسی، سنگسار، تحمیل حجاب اسلامی، و اعمال بیحقوقی کامل بر زنان دستاورد این جریان ارتجاعی و فاشیستی است. اسلام سیاسی چه در کشورهایی که در قدرت است همچون جمهوری اسلامی ایران، مجاهدین و سپس طالبان در افغانستان، در سودان، و در عربستان سعودی و چه آنجایی که در اپوزیسیون قرار دارد چون الجزایر، پاکستان و حتی در مصر جنایات و فجایع بیشماری آفریده اند. ایجاد ارباب و ترور سیاست و استراتژی این جریان برای کسب قدرت است.

سرنگونی جمهوری اسلامی این جنبش سیاه را به زانو در خواهد آورد. مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی که شدت و گسترش بسیاری یافته جایگاهی مهم و اساسی در مبارزه علیه اسلام سیاسی در منطقه داراست. جنبش زنان در ایران برای خلاصی از آپارتاید جنسی و برای آزادی و برابری نقش مهمی در مبارزه زنان در خاورمیانه برای رهایی از بختک اسلام سیاسی ایفاء میکند.

مبارزه برای ایجاد یک جنبش قوی آزادیخواه و سکولار در مقابل اسلام سیاسی تنها راه به عقب راندن این جریان به حاشیه جوامع خاورمیانه است. باید برای ساختن این جنبش بپا خاست. مدوسا یک وظیفه خطیر و فوری خود را مبارزه برای ساختن این جنبش قرار داده است. ■

انترناسیونال هفتگی را در ایران
و خارج تکثیر و پخش کنید

کارگران نساجی های کاشان: بستن خیابان و تحصن در برابر فرمانداری

روز دوشنبه ۱۷ دی ۱۳۸۰ برابر با هفتم ژانویه ۲۰۰۲ کارگران کارخانه های نساجی شماره یک، دو و سه کاشان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق خود در برابر فرمانداری این شهر دست به تحصن زدند. کارگران با تحصن خود یکی از خیابانهای اصلی شهر را بستند و خواهان حضور و پاسخگویی مقامات شدند. کارگران نساجی های کاشان تا بحال چندین بار به تظاهرات و اعتراض در مرکز شهر کاشان دست زده اند. حزب کمونیست کارگری همه کارگرانی را که با تعویق دستمزدها رودرویند، بویژه کارگران نساجی را به اقدام و اعتراضی هماهنگ و سراسری فرا میخواند. تنها اعتراضات سراسری و متحد کارگران میتواند به این بساط ضد کارگری و غیر قابل قبول تعویق دستمزدها پایان دهد. حزب همه کارگران و مردم آزاده را به حمایت از اعتراض کارگران نساجیهای کاشان فرا میخواند.

سومین سمینار مرکزی کادرهای حزب

۲۴-۲۳ فوریه ۲۰۰۲

مباحث: درباره فدرالیسم، اروپای واحد و یورو، و سیاست تشکیلاتی حزب در داخل کشور. گفت و شنود با رهبری حزب

همه کادرهای حزب را به شرکت در این سمینار فرامیخوانیم.
ورود برای عموم آزاد است.

برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام با دفتر مرکزی حزب تماس بگیرید. علاقمندان به شرکت در این سمینار تا ۱۵ فوریه برای ثبت نام وقت دارند.

شماره تلفن: ۶۵ ۷۴ ۵۱ ۰۵۱ ۷۹۵ ۴۴+

ای میل: markazi@ukonline.co.uk

هیات دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

کنفرانس سوم مدوسا به تعویق افتاد!

با کمال پوزش از علاقمندان شرکت در کنفرانس مدوسا اعلام میشود که کنفرانس سوم مدوسا در ماه آوریل ۲۰۰۲ در لندن، انگلستان برگزار میشود. محل و تاریخ دقیق کنفرانس بزودی اعلام میگردد.

امیدواریم که این تغییرات مشکلاتی برای دوستان علاقمند به شرکت در کنفرانس ایجاد نکرده باشد.

آذر ماجدی

۳۰ دسامبر ۲۰۰۱

از سایت روزنه دیدن کنید!

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعاتی های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید و مطالب آنها را مطالعه کنید.

مطالب، اطلاعاتی ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.

www.rowzane.com

rowzane@yahoo.com

انترناسیونال هفتگی پاسخ میدهد

خوانندگان انترناسیونال هفتگی در نامه های خود درباره مطالب نشریه و مسائل مختلفی اظهار نظر و سوال مطرح میکنند. تلاش میشود به برخی از این نکات که جواب به آنها جنبه عمومی دارد در این ستون پاسخ داده شود.

احزاب سیاسی و راه حل های آنها برای جامعه ایران

۳- با توجه به وضعیت اقتصادی ایران، چگونه میشود برنامه حزب کمونیست کارگری را پیاده کرد؟



فاتح بهرامی

برای شناخت از احزاب سیاسی شناخت از برنامه و اهداف آنهاست و باید احزاب سیاسی را وادار کرد که روشن درباره خود و جامعه مورد نظرشان با مردم صریح و بی پرده صحبت کنند.

اما روشن است که خود ادعای این جریانات حقیقت ندارد. راستش از نظر من مخالفت با برنامه حزب کمونیست کارگری مخالفت مستقیم با منافع اکثریت عظیم انسانهای جامعه، مخالفت با حقوق و آزادیهای مردم و مخالفت با برابری و طرفداری از تبعیض و نابرابری و در یک کلام مخالفت با معیار و استانداردهای مردم است که تاکید میکنند زندگی مردم باید انسانی و در شان انسان باشد. دلیلش هم همان نکته ای است که در نوشته دو هفته قبل اشاره کردم، یعنی حرکت از منفعت اقلیتی از جامعه که باید اکثریت عظیم مردم را برای تامین منافعی به انقیاد بکشد و نمیشود و غیر ممکن گفتن های اینها نیز در خدمت همین است. و گرنه نادرست بودن ادعاهای مطرح شده درباره ویژگیهای اقتصاد و سیاست و فرهنگ جامعه از روز روشنتر است. ابتدا به نکاتی درباره جنبه اقتصادی این ادعا میپردازم.

بحث غیر ممکن بدلیل اقتصادی یک بحث اقتصاد و آمار و یا نتیجه تحقیق وزارت اقتصاد و دارائی نیست. صاف و ساده بحث مخالفت با کم شدن سود اقلیت سرمایه داران و اضافه شدن حقوق و رفاه کارگران و مردم

مضر است! اولاً این شکل طرح بحث از طرف این جریانات، که از طرفی برنامه خود را به مردم اعلام نکرده اند و از طرف دیگر عموماً راجع به حقوق و آزادیهای مندرج در برنامه ما اظهار نظر نمیکنند و سرریسته از غیر ممکن بودن تحقق آن حرف میزنند، باین دلیل است که نمیخواهند مستقیماً در مقابل آنچه مربوط به زندگی همین امروز میلیونها انسان در آن جامعه است چنگ و دندان نشان دهند. چون در غیر اینصورت سریعاً خیل وسیع مردم آن جامعه را در مقابل خود خواهند دید و این در شرایطی که اینها در اپوزیسیون قرار دارند به نفعشان نیست. بعنوان مثال فرض کنید که یکی بجای اینکه بگوید بدلیل عقب ماندگی و ورشکستگی اقتصادی تحقق این برنامه غیر ممکن است، بگوید که ما با برنامه حزب کمونیست کارگری مخالفیم چون مثلاً طرح اینها برای بیمه بیکاری و رفاه همگانی کارگران را تنبیل میکند و به تولید و اقتصاد ملی لطمه میزند و مردم باید بیشتر کار کنند و کمتر حقوق بگیرند تا وضع همه بهتر شود، چیزی که تمامی دولتهای در قدرت با بیانههای مختلف همین را میگویند. در اینصورت کسی سراغ این جریانات نمیرود و گفتن همین نکته کافی است که مردم تکلیفشان را با آنها روشن کنند. بهمین دلیل است که قبلاً نیز تاکید کردم که اولین شرط مهم

یک ایراد رایج که جریانات بورژوازی درباره برنامه حزب کمونیست کارگری مطرح میکنند این موضوع است که میگویند با توجه به عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی و سیاسی در ایران، برنامه حزب قابل تحقق و امکانپذیر نیست، و آنرا مدینه فاضله و رویاهای شیرین و امثال اینها لقب میدهند. رجوع افراد و جریاناتی که این نکته را مطرح میکنند اساساً به بخش دوم برنامه حزب است که اقدامات و مطالبات اصلاحی را در چهارچوب جامعه موجود مطرح میکنند که البته اگرچه آنها گوشه کوچکی از حقوق و آزادیهای مردم در جامعه کمونیستی را تشکیل میدهند اما به نسبت پیشرفته ترین کشورهای موجود مطالباتی رادیکال و ایده آل بنظر میرسند. آنچه بعنوان استدلال از طرف منتقدین مذکور مطرح میشود دو وجه کلی دارد. بلحاظ اقتصادی بحثشان اینست که اقتصاد ایران عقب مانده و ورشکسته است و پول و ثروت جامعه بحدی نیست که بتواند هزینه آن رفاه مورد نظر حزب کمونیست کارگری را برای شهروندان تامین کند. و بلحاظ سیاسی و فرهنگی میگویند که مردم ترین دمکراسی نکرده اند، مسلمانان، و فرهنگ سنتی مردم با فرهنگ کشورهای غربی متفاوت است و نتیجه میگیرند که حقوق و آزادیهای فردی و سیاسی مورد نظر ما نمیتواند در جامعه ایران پیاده شود و برای جامعه و فرهنگ آن

و بچاپ بچاپ باشد، صحبت اینست که جلو افشای دزدیهای خیلی کلان را بگیرند. و سوال اینست که اگر پول و ثروت وجود دارد که اینها دارند میدزدند، پس این ثروت و پول مال کیست، از کی میدزدند، آیا بجز ثروتی است که مردم کارکن جامعه روزانه با کارشان تولید کرده اند؟

بنابراین مساله اینست که ثروت در جامعه وجود دارد و تولید میشود اما صرف چیز دیگری میشود و دائماً تلاش میکنند که سهم تولید کنندگان آنرا محدود و محدودتر کنند. فقط کافیسیت هزینه چند قلم مانند جنگ و ارتش و دستگاههای سرکوب و زندانها و تبلیغات حکومتی را به رفاه جامعه و اقلامی که در برنامه حزب ما ذکر شده اختصاص داد تا سر و وضع همه مردم عوض شود. بهمین سادگی میشود. اما کسانی که میفرمایند هزینه تامین رفاهیات مورد نظر حزب کمونیست کارگری وجود ندارد و پول نداریم که بیمه بیکاری بدهیم، نرفته اند جامعه ای مرفه و انسانی درست کنند و بعد هنگام چرتکه انداختن برای معلوم کردن هزینه ها با کمبود پول مواجه شده باشند. اینها کسانی هستند که اگر در قدرت باشند تظاهرات بیکاران را به گلوله میندند، و فعال و رهبر اعتصاب کارگری برای افزایش دستمزد را به زندان میداندازند، کاری که رژیم های پهلوی و جمهوری اسلامی و امثال این رژیمهای سرمایه انجام داده اند. میزان تمدن و انسانیت اینها باندازه کلفتی کیف پولشان است. اگر سودشان کم شود نه به شیر بچه رحم میکنند و نه به لقمه نان خشک مزد بگیران.

بالاخره باید به کسانی که در مقابل طرح مطالبات رفاهی برای جامعه و برنامه حزب کمونیست کارگری نمیشود و امکان ندارد میگویند، باید گفت لطفاً اسلحه علیه مردم بدست نگیرید و مدتی آرام بگیرید و حکومت را به دست شوراها مردم بسپارید تا آنها به شما نشان دهند که میشود با همکاری و تعاون مردم جامعه ای پر از رفاه و انسانیت و خوشبختی برای همه بوجود آورد. در بخش بعدی به جنبه فرهنگی و سیاسی این موضوع اشاره خواهم کرد. ■

زحمتکش است. چون طبق برنامه ما اگر قرار باشد مثلاً در جامعه همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال بیمه بیکاری دریافت کنند، طب و بهداشت و آموزش و پرورش رایگان باشد و همه کودکان زیر ۱۶ سال تحت تکلف دولت باشند، به همه افراد بالای ۵۵ سال بیمه بازنشستگی معادل حداقل دستمزد رسمی پرداخت شود، تشکل و اعتصاب آزاد باشد و ساعت کار به ۳۰ ساعت در هفته کاهش یابد و دستمزد کارگر متناسب با تورم بطور اتوماتیک افزایش یابد، زن و مرد در ازای کار مشابه مزد یکسان دریافت کنند و مجموعه دیگری از مطالبات رفاهی بنفع مردم به قانون تبدیل شوند، آنگاه سرمایه داران محترم باید سر کیسه را شل کنند و حاضر شوند که بخشی از ثروت عظیمی را که هر روز کارگران آن مملکت تولید میکنند به جامعه برگردد و در خدمت رفاه شهروندان قرار گیرد. مساله اصلی اینست که سرمایه داران با این مخالف هستند و برای جلوگیری از اینها ساواک و ساواما و ارتش و پاسدار و دادگاه و زندان و شکنجه گاه درست کرده اند. در همین جمهوری اسلامی که اقتصادش ورشکسته و بحرانی است و بخش عمده ای از تولیدش خوابیده است، هر جوجه پاسداری را که نگاه کنی میلیونر است و ارقام دارائی آخوندها و کاربستان مملکت که دیگر ارقامی نجومی است و در عوض کارگران پول کرایه خانه شان را ندارند و هر روز باید برای گرفتن دستمزدشان جاده ببندند. و اگر مانند سندیکای خبازان سقز موفق شوند که در مذاکره بر سر افزایش دستمزد کارفرما را به عقب نشینی وادار کنند، تعدادی اوپاش اسلام را شبانه میفرستند که سقف سندیکای آنان را سوراخ کنند و دارائی ها و وسایل سندیکا را به غارت ببرند. ثروت از سر و کول عوامل جمهوری اسلامی بالا میروند و همه شان دارند میدزدند و میاندوزند و مردم هم گرسنگی میکشند، و البته میگویند که پول نداریم حقوقها را بدهیم و دستمزدها را افزایش دهیم و بیمه بیکاری بدهیم. در جمهوری اسلامی امروز دیگر از عوامل حکومتی کسی وجود ندارد که منکر دزدی

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England